

منهای فوتبال

نگاهی به درخشش نعمتی‌ها در بازی‌های آسیایی حماسه برادرانه

نازنین دشتی

شاید در تمام وسعت ایران، هیچ خانهای به اندازه آن چهار دیواری گرم و صمیمی در شهر قم، لبریز از شور و اشک شوق نباشد. خانه‌ای که در کمتر از ۲۴ ساعت، دیوار لرزش فریادهای پیروزی را به خود دید و دو پسر دلاورش، در هزاران کیلومتر دورتر، روی بالاترین سکوی قاره کهن ایستادند. بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویی‌احلا برای کاراته ایران، با یک واژه گره خورده است: برادری. بعد از درخشش خیره‌کننده مرتضی نعمتی، این بار نوبت محمود بود تا یک نمایش بی‌نقص، دومین طلای خانوادگی را داشت کند؛ وزنه‌ای که ورزش ایران روی دور افتخار افتاده و حتی در فوتبال الکترونیک نیز یک طلای ارزشمند به سبد کاروان اضافه شده‌است.

■ صبح‌سه‌شنبه وقتی مرتضی نعمتی یکی پس از دیگری حرفیان را از پیش رو برداشت و گردن اوپرزین را بر سینه او بوخت، فضای ادوی تیم ملی کاراته غرق در غرور شد. همان زمان بود که زم‌های در سالن پیچیده و ملی پوشان نوبت دادند که فردا، محمود هم دقیقاً همین مدال را تکرار خواهد کرد. باور این حرف برای بسیاری سخت بود؛ در میدانی که تاینه‌ها و کوچک‌ترین اشتباهات رنگ مدال‌ها را عوض می‌کنند، چنین خوش‌بینی جسورانه‌ای شجاعت می‌خواست اما طالع خورشید

چهارشنبه در ناگویا، پیام آور تحقق این رویای شیرین بود.

■ محمود نعمتی، در وزن ۸۴+ کیلو گرم، به عنوان آخرین نماینده تیم ملی پایه تائامی گذاشت. او می‌دانست که بار سنگین انتظارات روی شانه‌هایش احساس می‌شود اما انگیزه درخشش برادر، همچون سوختی پایان‌ناپذیر در گرهایش جریان داشت. او باصلابت به فینال رسید، جایی که سخت‌ترین و نفس‌گیرترین مبارزش رقم خورد. حرفیا، وسناد صوفیانی، مبارزی سرسخت و دارنده مدال برنز جهان بودند. هادر سینه حبس شده بود. تابلوی نتایج تا دقیقه پایانی برتری شکننده چهار بر سه را به سود محمود نشان می‌داد. در این لحظات دلپره‌آور، هر آن این نگرانی وجود داشت که صوفیانی با یک ضربه غافلگیر کننده، ورق را برگرداند و رویی دوگانه طلایی را نقش بر آب کند. اما این پسر قوی، با تمرکز بی‌پولادین، نه تنها عقب‌نشست، بلکه در تاینه‌های پایانی با یورش‌های برق‌آسا، دو امتیاز پیاپی دیگر دشت کرد تا با نتیجه قاطع ۳ بر ۰ فاتح مطلق این نبر تالقب بگیرد.



■ پس از سوت پایان، سالن غرق در هیاهو شد و سکاس‌های نابی به ثبت رسید که تا سال‌های بعد حافظه ورزش ایران می‌ماند. محمود نعمتی، پهلوانی که تا لحظاتی پیش رحمانه می‌جنگید، حالا سر هیچان و شادی اشک می‌ریخت و او پرچم سه‌رنگ ایران را در آغوش کشید. بر آن پوسه زرد در حرکتی نمادین و زیبا، دستکش‌های مبارزش را به سوی تماشاگران ژاپنی برتاب کرد. محمود با صدایی که هنوز از بغض و خوشحالی می‌لرزید گفت: «چرچر! بوسیدم چون تا باید چهره ایرانم و ایرانی‌ام. من به خلی دوست داشتم دستکش‌هایم را به تماشاگران هدیه بدهم؛ کسی که آنها را گرفت، بسیار تشکر کرد.» او مدال طلای مرتضی را از کاتایزور اِسن موقعیت بزرگ دانست: «وز قیل مرتضی گل کاشت و باعث شد روحیه‌ام چند برابر شود. برای این مدال خیلی تلاش کرده بودم و آسیب دیدگی‌های جان‌کاهی را پشت سر گذاشته بودم. بعد از قطعی شدن مدال، اشکم بند نمی‌آمد؛ تمام درهایی که کشیده بودم، مثل یک فیلم از جلوی چشم‌ام گذشت. اول از خدا تشکر می‌کنم و بعد از پدر و مادر عزیزم. اگر امروز من و برادر در این جایگاه ایستاده‌ایم، فقط و فقط به لطف زحمات و دعای خیر آنهاست. خدا را شکر که توانستم رؤسفید به خانه برگردم. این مدال را به همه مرد ایران تقدیم می‌کنم که همیشه و در هر شرایطی پشت ما بوند.»

■ در سویی دیگر میدان، مرتضی برادر بزرگ‌تر، شاید از خود محمود هم خوشحال‌تر بود. این دو برادر که دو ماه پیش نیز در مسابقات قهرمانی آسیا دو مدال طلا برای کاراته ایران را بهار معان آورده بودند، حالا در رویداد بزرگ آسیایی نیز تاریخ‌سازی کردند. مرتضی با چشمانی برق‌زده گفت: «چه حسی بالاتر از اینکه دو ماه پیش توانستم هم‌زمان قهرمان آسیا شوم و حالا اینجا در ناگویا، در بزرگ‌ترین رویداد قاره، بازم باهم روی سکوی نخست ایستادم. امیدوارم این قهرمانی‌ها همچنان تکرار شود.» شاهکار برادران نعمتی تنها یک افتخار جهانی و خانوادگی نبود؛ این دو طلای ناب در کنار سه مدال نقره از ژنشندی که روز سه‌شنبه توسط کاتای تیمی زنان، علی اصغر آسیابری و فاطمه زهراسعید آبادی به دست آمد، یک اتفاق تاریخی بزرگ را رقم زد. کاراته ایران با این درخشش دسته جمعی، برای نخستین بار در تاریخ بازی‌های آسیایی، با افتخار روی سکوی قهرمانی تیمی مسابقات ایستاد و قدرت خود را به رخ قاره کهن کشید.

■ داستان مدال‌های خانوادگی در ورزش ایران، پیشینه‌ای جذاب و خوندنی دارد. برادران نعمتی، میراث‌رسانی هستند که دهه‌هاست در بازی‌های آسیایی جریان دارد. وقتی در ناگویا ۲۰۲۶ این دو برادر طلای‌های آسیا ۲۰۲۲ هانگژو و برادران اسامیلان در رشته تنیس روی میز، با کسب دو مدال برنز تیمی، نمایشی تحسین‌برانگیز داشتند. پیش از آنها، در سال ۲۰۱۸ و در جاکارتا، دو خواهران منصوریان در رشته ووشو با کسب دو مدال نقره، قدرت زنان ایرانی را به تصویر کشیدند. اگر به گذشته‌های دور تر سفر کنیم، به بازی‌های آسیایی ۱۹۹۴ هیروشیما می‌رسیم؛ جایی که نام برادران افسانه‌ای خادم، رسول و امیرضرا، با دو مدال طلای ناب در کشتی آزاد جاودانه شد. و نقطه آغازین این فهرست طلایی، بازی‌های ۱۹۸۵ سنول است؛ زمانی که برادران محبی در کشتی، یکی به مدال نقره (حسن) و دیگری به مدال برنز (حسین) دست یافتند. حالا در پاییز ۲۰۲۶، نام خانواده نعمتی در کنار خانواده‌های رستمی، منصوریان، هاشمیان، هارامچی‌ها، تالار مشاهیر ورزش ایران حک شده‌است. آنها ثابت کردند که وقتی خون برادری و عشق به وطن در گرهای جریان داشته باشد، هیچ حرفی، حتی روی تائامی‌های ناگویا، برای مقاومت برابر این اراده دوگانه را نخواهد داشت. این، داستان دو برادر از قلم است که با دست‌های خالی اما قلب‌هایی بزرگ، نام ایران را در بلندترین قله آسیا طنین‌اندار کردند.

تیم ملی و حضور در مسابقات بزرگ را داشت و

باور داشتیم که روزی به این هدف می‌رسم.» این باور، در کشوری که نیم قرن نماینده‌ای در این مسابقات نداشته، شاید برای خیلی‌ها یک خیال خام به نظر می‌رسید، اما برای هنگامه، یک نقشه راه بود. او پیش از این در مسابقات آسیایی زونی در کشور چین نیز حضور یافته بود و در پرش خرک به مقام بیست‌ودوم رسیده بود. آن مسابقات و آن رتبه، نه یک پایان، بلکه یک دست‌گرمی بزرگ و انگیزه‌ای مضاعف برای ادامه راهی بود که به سه‌شنبه تاریخی بازی‌های آسیایی ختم می‌شد.

■ وقتی روز سه‌شنبه، نام هنگامه هادیانی به عنوان نماینده ایران در ژیمناستیک هنری از بلندگوی سالن مسابقات بازی‌های آسیایی خوانده شد، سنگینی نگاه‌ها، انتظارات و البته قضاوت‌ها می‌توانست هر ورزشکار باتجربه‌ای را از پای درآورد. فشار روانی در رشته‌ای که تمرکز مطلق، کلید موفقیت در آن است، روایت می‌کند: «همیشه رویای بوشیدن پیراهن

تیم ملی و حضور در مسابقات بزرگ را داشت و

باور داشتیم که روزی به این هدف می‌رسم.» این باور، در کشوری که نیم قرن نماینده‌ای در این مسابقات نداشته، شاید برای خیلی‌ها یک خیال خام به نظر می‌رسید، اما برای هنگامه، یک نقشه راه بود. او پیش از این در مسابقات آسیایی زونی در کشور چین نیز حضور یافته بود و در پرش خرک به مقام بیست‌ودوم رسیده بود. آن مسابقات و آن رتبه، نه یک پایان، بلکه یک دست‌گرمی بزرگ و انگیزه‌ای مضاعف برای ادامه راهی بود که به سه‌شنبه تاریخی بازی‌های آسیایی ختم می‌شد.

■ وقتی روز سه‌شنبه، نام هنگامه هادیانی به عنوان نماینده ایران در ژیمناستیک هنری از بلندگوی سالن مسابقات بازی‌های آسیایی خوانده شد، سنگینی نگاه‌ها، انتظارات و البته قضاوت‌ها می‌توانست هر ورزشکار باتجربه‌ای را از پای درآورد. فشار روانی در رشته‌ای که تمرکز مطلق، کلید موفقیت در آن است، روایت می‌کند: «همیشه رویای بوشیدن پیراهن

تیم ملی و حضور در مسابقات بزرگ را داشت و

چهره ویژه هفته؛ هنگامه هادیانی و مدالی از جنس شجاعت

روای پرواز



می‌شود. هنگامه روی تشک رفت. او می‌دانست که در حال اجرای حرکاتی است که چشمان بسیاری از دختران جوان در ایران با اشک شوق

و امید آن را دنبال می‌کنند. او می‌دانست که این اجرا، فقط یک روتین ورزشی نیست، بلکه یک مانیفست برای احیای ژیمناستیک زنان ایران است. خودش درباره آن لحظات دلپره‌آور اما باشکوه می‌گوید: «استرس و جود داشت، اما افتخار به حضور در این مسابقات دارد، به استرسی که احساس می‌کنید می‌چرید. من هم تمام تلاشم را کردم و تا جایی که توانستم بهترین عملکردم را به نمایش گذاشتم.» در نهایت، تابلوی نتایج امتیاز ۱۲.۳۱۶ را برای نمایش هنگامه هادیانی ثبت کرد؛ امتیازی که او را در رده سیزدهم ژیمناستیک هنری قرار داد. ■ شاید روی کاغذ، در نگاه منتقدان سخت‌گیر و در جداول شگفت و بی‌روح رده‌بندی، امتیاز ۱۲.۳۱۶ و قرار گرفتن در جایگاه سیزدهم آسیا خیلی قابل دفاع یا خیره‌کننده به نظر نرسد. شاید رسانه‌های نتیجه‌گر از کنار این رتبه به سادگی عبور کنند. اما برای درک عظمت کار هنگامه، باید اعداد را کنار گذاشت و به بستر تاریخ نگاه کرد.

چگونه می‌توان از دختری که سیستم ورزشی‌اش ۵ سال از سطح اول آسیا دور بوده، انتظار داشت در نخستین گام روی سکو برود؟ ژیمناستیک امروز آسیا با قدرت‌هایی چون چین و ژاپن، در بالاترین سطح جهانی قرار دارد. در چنین کارزاری، کسب رتبه سیزدهم برای کشوری که دهه‌ها غایب بوده، نه یک شکست، که یک پیروزی نمادین و یک نقطه شروع فوق‌العاده است. هنگامه به خوبی جایگاه و رسالت خود را درک کرده‌است. جملات او پس از مسابقه، نشان از بلوغ فکری دختری دارد که می‌داند رسالتش در این مسابقات، مدال‌آوری نبوده‌است. او پیش از اجرای خود به درستی اشاره کرده بود: «این فقط یک مسابقه نیست، افتخار بزرگی است که به عنوان یک دختر ایرانی به این میدان رسیده‌ام.» او پس از مسابقه نیز با رضایتی عمیق و نگاهی رو به جلو گفت: «این نخستین تجربه من بود و به‌نظم عملکرد خیلی خوبی داشتم. اینکه پس از حدود ۵۰ سال، به عنوان نخستین دختر ژیمناست ایرانی در بازی‌های آسیایی شرکت کردم، اتفاق خیلی خوب و باعث افتخار است.»

■ کاری که هنگامه هادیانی روز سه‌شنبه انجام داد، دقیقاً معنای واژه تابوشکنی است. او دیوارهای نامرئی نامیدی را فرو ریخت. تا پیش از این سه‌شنبه، اگر یک دختر خردسال در سالن‌های ژیمناستیک مشهد، تهران، تبریز یا هر شهر دیگری به مربی‌اش می‌گفت «می‌خواهم روزی در بازی‌های آسیایی مسابقه دهم»، شاید با لبخندی تلخ و نگاهی از سر حسرت مواجه می‌شد. اما از امروز به بعد، مربیان می‌توانند با افتخار به نام هنگامه هادیانی اشاره کنند و بگویند: «بله، مسیر باز است. او توانست، شما هم می‌توانید.» ژیمناستیک زنان ایران نیاز داشت. هنگامه هادیانی بی‌مدال ماند، اما پرافتخارترین ورزشکار هفته ماست. او مدالی از جنس شجاعت، استقامت و امید را به گردن آویخت که هرگز در هیچ موزه ورزشی زنگ نمی‌زند. او راهی را باز کرد که شاید سال‌ها بعد، دختران دیگری از ایران روی آن قدم برداشته‌اند. چهره ویژه این هفته، نه برای ثبت یک رکورد جهانی، بلکه برای ثبت یک شروع بزرگ شایسته تقدیر است؛ شروعی که به ما یادآوری کرد گاهی جسارت حضور، زیباترین و باشکوه‌ترین پیروزی ممکن است. ۵۰ ساله‌ای توسط دختر بازآمده‌ای از مشهد برداشته شد. چهره ویژه این هفته، نه برای ثبت یک رکورد جهانی، بلکه برای ثبت یک شروع بزرگ شایسته تقدیر است؛ شروعی که به ما یادآوری کرد گاهی جسارت حضور، زیباترین و باشکوه‌ترین پیروزی ممکن است. هنگامه هادیانی حالا دیگر فقط یک نام در لیست ورزشکاران اعزامی نیست؛ او نماد بازگشت و امید برای تمام دخترانی است که باور دارند رویای پرواز، بالاخره روزی به حقیقت می‌پیوندد.



نکته طعنه‌آمیز ماجرا اینجاست که در مختصات فعلی ورزش ایران، شکست خوردگان نیز از جرسب می‌بینند. هنوز یاد نبرده‌ایم که چگونه تیم ملی بزرگسالان با هدایت امیر قلعه‌نویی، پس از نمایشی نامیدکننده در جام جهانی و عدم صعود از مرحله گروهی (آن هم در تورنمنتی که تیم‌های بسیار ضعیف‌تری در آن حضور داشتند)، با حلقه‌های گل در فرودگاه امام خمینی مورد استقبال قرار گرفتند.

رسانه‌های وابسته و جریان‌های خاص، از حذف در مرحله گروهی چنان حماسه‌ای ساختند که گویی ایران فاتح جام جهانی شده‌است! اکنون نیز هیچ بعید نیست که برای حسین عابدی و شاگردانش، به بهانه کسب چهار امتیاز در مرحله گروهی و برتری مقطعی مقابل امارات، مراسم استقبالی تدارک دید شود. در سیستمی که شایستگی و مستقدان دلسوز به راحتی با برچسب‌های مختلف به حاشیه رانده می‌شوند و افراد فاقد صلاحیت در مسند امور باقی می‌مانند، توجیه شکست و تبدیل کردن ناکامی به یک حماسه ملی، به یک رویه استاندارد مدیریتی تبدیل شده‌است. فوتبال ایران امروز در نقطه‌ای ایستاده‌است که دیگر نمی‌تواند ضعف‌های فنی و ساختاری خود را پشت استعدادهای فردی پنهان کند. باخت چهار بر یک مقابل کره‌شمالی، یک هشدار بیدارباش نبود؛ بلکه آژیر خطری بود که به صدا درآمد تا اعلام کند اگر روند فعلی، از فساد در برگزاری اردوها تا انتخاب مربیانی با ذهنیت‌های محافظه‌کار، تغییر نکند، فوتبال ایران نه تنها المپیک لس‌آنجلس، بلکه جایگاه خود را در میان تیم‌های درجه دوم آسیا نیز از دست خواهد داد. سوت پایان در ناگویا زده شد، اما صدای خرد شدن استخوان‌های فوتبال پایه ایران، تا سال‌ها در گوشمان خواهد پیچید. خسته نباشید دلاوران! نمایش تمام شد.

حتی از دوره‌های قبل نیز سنگلاخ‌تر است. با تصمیم کمیته بین‌المللی المپیک، سهمیه تیم‌های حاضر در فوتبال مردان از ۱۶ تیم به ۱۲ تیم کاهش پیدا کرد. سهمیه آسیا که پیش‌تر ۳.۵ تیم بود، حالا به عدد بی‌رحمانه دو تقلیل یافته‌است. این یعنی تنها فینالیست‌های جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا در سال ۱۴۰۶ بلیت کالیفرنیا را رزرو خواهند کرد. با نمایشی که شاگردان حسین عابدی در ژاپن ارائه دادند، عبور از سد غول‌هایی چون ژاپن، کره جنوبی، آرژیکستان و عربستان برای رسیدن به فینال آسیا، نیازمند یک معجزه‌است. نسل جدیدی که با رویکرد کسب نتیجه مساوی وارد میدان می‌شود و با دریافت دو گل ساختار روانی‌اش به کلی فرو می‌ریزد، چگونه می‌تواند طلسمی را که احتمالاً به ۵۶ سال‌ها خواهد رسید، باطل کند؟ واقعیت تلخ این است که ساختار مدیریتی فدراسیون فوتبال، با واگذاری صوری اختیارات به کمیته ملی المپیک و بازپس‌گیری مجدد آن، صرفاً یک بازی رسانه‌ای را به راه انداخته‌است. انتخاب‌های فنی مهدی تاج و شرکا، بار دیگر نشان داد که حلقه بسته مربیان در فوتبال ایران، توانایی پروراندن ذهنیتی بزرگ برای فتح قله‌های سخت را ندارد. ■ شاید یکی از درناک‌ترین ابعاد این ناکامی، نه در زمین مسابقه، که در فرهنگ حاکم بر مدیریت ورزش ایران نهفته باشد؛ فرهنگ دستاورد‌سازی از هیچ، در روزهایی که کادر فنی تیم امید برای آماده‌سازی این تیم، در دو‌های پرهزینه‌ای را در ترکیه برگزار کرد، اخبار غیررسمی و زمزمه‌هایی از فاکتورسازی‌های نجومی و فساد مالی در این اردوها به گوش رسید. مدیران فدراسیون با سکوت و بیان کلیات از کنار این مسائل گذشتند، به این امید که درخشش در ناگویا، سرپوشی بر تمام این تاریکی‌ها باشد. اما وقتی تیم در زمین مسابقه فرومی‌یابد، زشتی‌های پشت پرده بیشتر نمایان می‌شود.